



خبرهایی از  
سرویس خبری جامعه بهائی  
Bahá'í World News Service  
(BWNS)

مرداد و شهریور ۱۴۰۵

در گفت‌وگو

## پیوند تحصیل، کار و خدمت در زندگی جوامع

۱۵ مرداد ۱۴۰۵

شرکت‌کنندگانی از سه کشور توضیح می‌دهند که برنامه‌های آموزشی بهائی چگونه به جوانان کمک می‌کنند تا تحصیل، کار و خدمت را بخش‌هایی از یک زندگی منسجم ببینند.

مرکز جهانی بهائی — در تازه‌ترین قسمت پادکست سرویس خبری جامعه جهانی بهائی، شرکت‌کنندگانی از هند، کنیا و زامبیا در گفت‌وگوی خود به این موضوع می‌پردازند که برنامه‌های آموزشی بهائی چگونه به جوانان کمک می‌کنند تا صفات، نگرش‌ها و توانمندی‌های عملی لازم برای خدمت در راه بهروزی اطرافیان‌شان را در خود پرورش دهند.

ویکتور جیدایی ماباله (Victor Jidayi Mabale)، عضو هیئت معاونت در کنیا، توضیح داد که در روستای محل زندگی‌اش، پیشرفت جوانان بیش از پیش به دغدغه همه اعضای جامعه تبدیل شده است.

آقای ماباله گفت: «بزرگان روستا کم‌کم متوجه می‌شوند که در پیشرفت جوانان نقشی دارند.» خانواده‌ها نیز به تدریج به نقش خود در این زمینه پی می‌برند. او توضیح داد که دین نیز در «شکوفایی استعدادها و نهفته شدن این جوانان» نقش دارد و این نقش را بیش از همه با گسترش این آگاهی ایفا می‌کند که «انسان شریف آفریده شده است».

مارتا مقبل‌پور (Martha Moghbelpour)، عضو محفل روحانی ملی بهائیان هند، گفت که چنین تلاش‌هایی اغلب در مقیاسی کوچک آغاز می‌شوند: «در واقع، کار از چند نفر آغاز می‌شود و اساس آن را دوستی‌های واقعی شکل می‌دهند.» او از تجربه گروهی حدوداً ده نفره از جوانان در یکی از روستاهای منطقه‌اش گفت. این جوانان از پیش تسهیل‌گر کلاس‌های کودکان و گروه‌های نوجوانان بودند. در پی تعطیلی مدارس در دوران همه‌گیری، گروه‌های کمک‌درسی تشکیل دادند تا کودکان از درس عقب نمانند.

این فعالیت‌ها نشان داد که تنها شمار اندکی از کودکان کتابی متعلق به خود داشتند. پس از کاهش محدودیت‌ها، از خانواده‌های سراسر روستا دعوت کردند تا با اهدای کتاب در ایجاد کتابخانه‌ای سهیم شوند. سپس والدین و رهبران جامعه گرد هم آمدند تا درباره هدف کتابخانه و چگونگی استفاده از آن مشورت کنند و همه در راه‌اندازی آن نقش داشتند.

چندی نگذشت که کتابخانه عصرها میزبان کلاس‌های کمک‌درسی شد. اکنون گروه‌هایی از مادران نیز برای شرکت در کلاس‌های مکالمه انگلیسی در آنجا گرد هم می‌آیند. یکی از این جوانان تصمیم گرفت معلم شود و روی پشت‌بام خانه‌اش مدرسه‌ای پیش‌دبستانی راه‌اندازی کرد. جوان دیگری در رشته علوم رایانه تحصیل کرد و پس از گرفتن مدرک کارشناسی ارشد، به روستا بازگشت و یک مرکز رایانه تأسیس کرد.

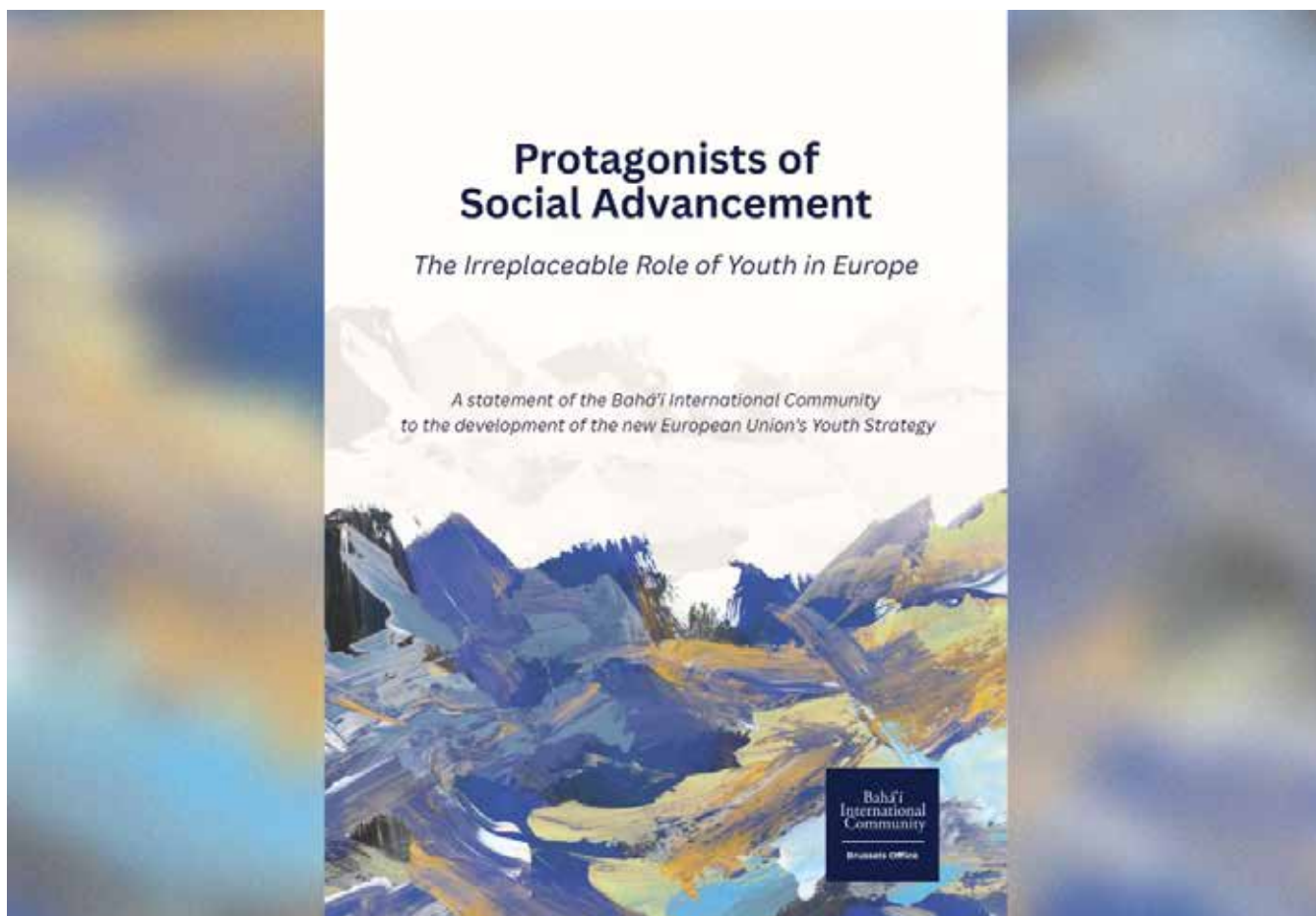
خانم مقبل‌پور گفت: «دیدن اینکه شرایط مناسب فراهم می‌شود و جامعه و مؤسسات نیز از جوانان حمایت می‌کنند، بسیار هیجان‌انگیز است. اما در واقع، خود جوانان‌اند که مسئولیت کار را بر عهده می‌گیرند... و در مسیر پیشرفت به یکدیگر کمک می‌کنند.»

فونگای بانگاجنا (Fungai Bangajena)، عضو هیئت معاونت در زامبیا، توضیح داد که برخی از جوانان روستای محل زندگی‌اش ممکن است از همان آغاز تحصیل دلسرد شوند؛ زیرا مشکلات مالی خانواده باعث می‌شود راه‌های چندانی پیش روی خود نبینند. این تجربه برای جوانان بسیاری در نقاط مختلف جهان آشناست. به گفته او، تا مدت‌ها کمتر کسی بیرون از خانه به آنان دلگرمی می‌داد. اما اکنون که گفت‌وگو درباره پیشرفت جوانان کم‌کم در روستا پا گرفته است، حرف دیگری به گوششان می‌رسد: «فقط خانواده‌تان نیست که از شما حمایت می‌کند. بیرون از خانه هم پشتیبان دارید. تمام جامعه به فکر شماست.»

وحید کائومبا (Vahid Kaumba)، از شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های جامعه‌سازی در زامبیا، توضیح داد که جوانان جامعه‌اش کم‌کم از خود می‌پرسند تحصیلشان در نهایت چه هدفی دارد و قرار است در خدمت چه کسانی باشد. برخی نیز با در نظر گرفتن نیازهای روستاهایشان، رشته تحصیلی خود را تغییر داده‌اند. برای نمونه، یکی از آنان با دغدغه سلامت جامعه‌اش به رشته علوم غذایی و تغذیه روی آورده است. چنین انتخاب‌هایی جوانان دیگری را نیز به تأمل درباره همین پرسش‌ها برانگیخته است.

آقای ماباله خاطرنشان کرد که تجربه‌های هر سه کشور وجه مشترکی دارند. او گفت: «در نقاط مختلف... گویی ماجرا یکی است: جوانی در این مسیر پیش می‌رود و می‌آموزد جنبه‌های گوناگون زندگی را در پیوند با یکدیگر ببیند؛ جامعه نیز می‌آموزد چگونه هماهنگ عمل کند و شرایط لازم را فراهم آورد تا این جوان بتواند استعدادهای نهفته‌اش را شکوفا کند.»

این قسمت از پادکست بخشی از مجموعه «در گفت‌وگو» است؛ کاوشی جمعی در کاربرست عملی اصول بهائی برای ساختن اجتماعی صلح‌آمیز.



جامعه جهانی بهائی، بروکسل

۲۱ مرداد ۱۴۰۵

## جوانان، بانیان پیشرفت اجتماعی اروپا

**بیانیه‌ای تازه از دفتر جامعه جهانی بهائی در بروکسل بررسی می‌کند چه شرایطی لازم است تا همه جوانان بتوانند توانمندی‌های خود را در راه بهبود اجتماع به کار گیرند.**

جامعه جهانی بهائی، بروکسل — در سال‌های اخیر، این دیدگاه در سراسر اروپا بیش از پیش پذیرفته شده است که نظر جوانان باید در شکل‌گیری سیاست‌هایی که بر زندگی‌شان اثر می‌گذارد، شنیده شود. اکنون که اتحادیه اروپا در حال تدوین راهبردی تازه در امور جوانان است، دفتر جامعه جهانی بهائی در بروکسل بیانیه‌ای منتشر کرده و در آن می‌پرسد یک گام فراتر رفتن چه معنایی دارد؛ اینکه برای جوانان نقشی محوری قائل شویم و نه تنها صدایشان را بشنویم، بلکه مسئولیت‌هایی نیز در قبال حیات جوامعشان به آنان بسپاریم.

این بیانیه که به‌تازگی با عنوان «بانیان پیشرفت اجتماعی: نقش بی‌بدیل جوانان در اروپا» منتشر شده، بخشی از گفت‌وگویی چندساله است که دفتر بروکسل با نهادهای اروپایی و دیگر کنشگران اجتماعی دنبال می‌کند. درچارچوب این گفت‌وگو، دفتر با نمایندگان پارلمان‌های اروپایی دیدار کرده، در هفته جوانان اروپا شرکت کرده و خود نیز نشست‌هایی برگزار کرده است؛ از جمله کارگاهی که اخیراً شهرداری‌های محلی و سازمان‌های جوانان را گرد هم آورد.

الساندرو بندتی (Alessandro Benedetti)، یکی از نمایندگان این دفتر، در گفت‌وگو با سرویس خبری خاطرنشان کرد که نقش اساسی جوانان در اجتماع هم‌اکنون نیز به‌طور گسترده پذیرفته شده است. او گفت: «سیاست‌گذاران اروپایی در سطوح مختلف این موضوع را مطرح می‌کنند، اما تحقق آن در عمل کار بسیار دشوارتری است.»

به گفته او، پرسش این است که جوانان در چه مرحله‌ای وارد این فرایند می‌شوند. او گفت: «اینکه جوانان نیز در جمع تصمیم‌گیرندگان جایی داشته باشند تا بتوانند دیدگاهشان را بیان کنند، یکی از ابعاد واقعی مشارکت است. اما اینکه بگوییم جوانان باید در فرایند پیشرفت اجتماعی نقشی محوری داشته باشند و در شکل‌دادن به تصویری نو از خود اجتماع سهیم باشند، سخن کاملاً متفاوتی است.»

بیانیه جامعه جهانی بهائی تأکید می‌کند که اگر مشارکت تنها به حضور در فرایندهای نهادی و سیاسی محدود شود، نمی‌توان از توانمندی میلیون‌ها جوان اروپا بهره گرفت. تک‌تک آنان این توان را دارند که نقشی معنادار در اجتماع ایفا کنند.

در این بیانیه دو شرط برای بروز این توانمندی مطرح شده است. در توضیح شرط نخست، بیانیه با تکیه بر تجربه جامعه بهائی از فرایندهای آموزشی‌ای سخن می‌گوید که به جوانان امکان می‌دهند اصول و موازین اخلاقی را در عمل به کار گیرند، اجتماع را تحلیل کنند و امکان‌های پیش روی آن را بسنجند و مطالعه و خدمت را با هم پیوند دهند.

در بیانیه آمده است: «چنین فرایندهایی نه تنها عاملیت جوانان را پرورش می‌دهند، بلکه به آن جهتی اخلاقی می‌بخشند تا جوانان بتوانند عاملیت خود را در راه پیشبرد خیر عمومی به کار گیرند.»

شرط دوم به محیط‌های آموزشی، مدنی، اجتماعی و رسانه‌ای مربوط است که به زندگی جوانان شکل می‌دهند. این محیط‌ها باید نقش محوری جوانان را تقویت کنند، نه اینکه آنان را صرفاً مصرف‌کننده یا مخاطب بدانند.

بیانیه چهار حوزه را برمی‌شمارد که نقش جوانان در آن‌ها بی‌بدیل است: تقویت حیات جامعه و روابط میان‌نسلی، ایجاد وحدت اجتماعی میان گروه‌های گوناگون در اروپا، بازاندیشی در رابطه اجتماع با رسانه‌ها و فناوری و شکل‌دهی به نظام‌های چندجانبه بر پایه اصل یگانگی نوع بشر.

آقای بندتی خاطرنشان کرد که توانمندی‌های لازم برای ایفای چنین نقش‌هایی در هر سطح، نخست در محیط زندگی خود جوانان پرورش می‌یابند.

او گفت: «هر طرحی، هر قدر هم بزرگ باشد، مشارکت در حیات اجتماع از سطح محلی آغاز می‌شود.»

آقای بندتی افزود: «جامعه جهانی بهائی می‌آموزد چگونه با تکیه بر تجربه هزاران جوانی که برای پاسخ به چالش‌های محیط زندگی خود تلاش می‌کنند، این نقش را تبیین کند. توانمندی‌هایی که این جوانان در خود پرورش می‌دهند — درک واقعیت پیرامون خود، شناخت نیروهای مؤثر در اجتماع و گرد هم آوردن افراد گوناگون — همان توانمندی‌هایی‌اند که این قاره به آن‌ها نیاز دارد.»

این بیانیه، که متن کامل آن در دسترس است، در ادامه تلاش‌های جامعه جهانی بهائی برای مشارکت در گفت‌وگویی درباره نقش جوانان در پیشرفت اجتماع منتشر شده است.



امارات متحدهٔ عربي

۳۰ مرداد ۱۴۰۵

## تقویت حیات خانواده هم‌زمان با ظهور هوش مصنوعی

با ورود هوش مصنوعی به زندگی روزمره، نمایندگان بهائی در ابوظبی به این می‌اندیشند که خانواده چه نقشی دارد و چگونه می‌تواند استفاده از فناوری را در جهت خیر عمومی هدایت کند.



رؤیا ثابت، عضو دفتر روابط عمومی بهائیان امارات متحدهٔ عربي

ابوظبی، امارات متحدهٔ عربي — دهه‌هاست فناوری‌های نوین ارتباطی راه ورود صداها و دیدگاه‌های بیرون را به خانه باز کرده‌اند. اما هوش مصنوعی این روند آشنا را وارد مرحله‌ای کاملاً تازه کرده است؛ اکنون خود فناوری می‌تواند به پرسش‌ها پاسخ دهد و راهنمایی کند. اگر بتوان هر زمان که بخواهیم از یک دستگاه راهنمایی و اطمینان خاطر گرفت، این وضعیت تازه چه نکته‌ای را دربارهٔ فلسفهٔ وجودی خانواده آشکار می‌کند؟

حاتم الحادی، نمایندهٔ دفتر قاهرهٔ جامعهٔ جهانی بهائی، گفت: «هوش مصنوعی و رسانه‌های نوین می‌توانند فاصله‌ها را کمتر کنند، اما به‌خودی‌خود اعتماد نمی‌آفرینند. می‌توانند دانش را منتقل کنند، اما به‌تنهایی نمی‌توانند حکمت را در انسان پرورش دهند. می‌توانند ارتباطات را گسترش دهند، اما نمی‌توانند حس تعلق، روحیهٔ خدمت یا احساس مسئولیت در قبال دیگران پدید آورند.»



آقای الحادی با اشاره به این تمایز، چالشی عمیق‌تر را مطرح کرد: خانواده‌ها چگونه می‌توانند صفات و روابطی را پرورش دهند که به افراد کمک کند فناوری‌ها را خردمندانه و در خدمت خیر عمومی به کار گیرند؟

این اندیشه محور مجموعه‌ای از گفت‌وگوها در سومین کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و مدارا بود.

در این کنفرانس که به تازگی در ابوظبی برگزار شد، دانشگاهیان، پژوهشگران، نمایندگان جوامع دینی، جوانان و دیگر کنشگران اجتماعی رابطه میان حیات خانواده، فناوری‌های نوظهور و انسجام اجتماعی را بررسی کردند.

اعضای دفتر روابط عمومی بهائیان امارات متحده عربی نیز در چند میزگرد شرکت کردند و اداره شماری از آن‌ها را بر عهده داشتند.

رؤیا ثابت، از اعضای دفتر روابط عمومی، گفت: «خانواده صرفاً یک واحد اجتماعی نیست.» به گفته او، خانواده نخستین محیطی است که انسان در آن معنای زندگی با دیگران را می‌آموزد و صفاتی چون محبت، عدالت، شفقت، همکاری، برابری و احترام متقابل می‌توانند برای نخستین بار در آن ریشه بدوانند. از این منظر، خانواده فضایی اجتماعی و حیاتی است که می‌تواند افراد را برای مشارکت سازنده در حیات گسترده‌تر اجتماع آماده کند.

بر پایه این برداشت، خانواده بخشی از الگوی گسترده‌تر حیات جامعه است. آقای الحادی با اشاره به تجربه جوامع بهائی در منطقه عرب گفت خانواده‌ها زمانی شکوفا می‌شوند که منزوی نمانند و از طریق فضاهای خدمت و گفت‌وگو با دیگران در ارتباط باشند.

به گفته او، ارزش‌ها در جریان همین تعاملات دیگر مفاهیمی انتزاعی باقی نمی‌مانند و در زندگی روزمره شکل عملی پیدا می‌کنند.

با حضور روزافزون هوش مصنوعی در زندگی روزمره، اندیشیدن به این پرسش ضرورت بیشتری یافته است: خانواده‌ها چه نقشی می‌توانند در شکل‌گیری روابط افراد با کسانی بیرون از دایره خویشاوندانشان داشته باشند؟



از نگاه سما تبریزی، نماینده بهائیان امارات متحده عربی، حضور روزافزون هوش مصنوعی بیش از پیش روشن می‌کند که شرافت ذاتی انسان باید همچنان در کانون خانواده بماند. او گفت: «هرچه پیش بیاید، چه حاصل فناوری باشد و چه نه، باید همچنان از این شرافت انسانی پاسداری کنیم.» سخنان او به اصلی گسترده‌تر اشاره دارد که زیربنای فعالیت‌های جامعه‌سازی بهائی است: صفات و توانمندی‌های روحانی، از جمله توانایی مشورت و همکاری، روحیه خدمت و توجه به دیگران، تنها از راه آموزش به دست نمی‌آیند. این صفات و توانمندی‌ها در دل الگوهایی از زندگی پرورش می‌یابند که درک متقابل را تقویت می‌کنند؛ الگوهایی که مردم در آن‌ها با هم دست به کار می‌شوند و مسئولیت بیشتری برای رسیدگی به نیازهای محله‌هایشان می‌پذیرند. وقتی افراد توانمندی‌هایی را که در حیات خانواده و جامعه پرورش یافته‌اند، فراتر از محیط نزدیک خود به کار می‌گیرند، دامنه توجهمشان نیز معمولاً گسترش می‌یابد و همسایگان و سرانجام کل اجتماع را در بر می‌گیرد.



گسترش دامنه توجه از خانواده به بیرون، یکی از محورهای اصلی مشارکت دفتر روابط عمومی در گفتمان خانواده و انسجام اجتماعی نیز بوده است. در برداشتی که مبنای این مشارکت قرار دارد، خانواده نه درون‌گراست و نه در خود محصور؛ بلکه به خدمت معطوف است و آگاهی‌اش از یگانگی ذاتی نوع بشر روزه‌روز افزایش می‌یابد.

آقای الحادی هوش مصنوعی و رسانه‌های نوین را «ابزارهایی دانست که ارزش‌هایی را بازتاب می‌دهند که انسان به آن‌ها می‌بخشد». به گفته او، وقتی اعتماد، عدالت و مسئولیت در حیات خانواده و جامعه به بخشی از رفتار روزمره تبدیل می‌شوند، همین الگوهای زندگی می‌توانند بر چگونگی استفاده از فناوری و توسعه آن نیز اثر بگذارند.

این کنفرانس هم‌زمان با نام‌گذاری سال ۲۰۲۶ به عنوان «سال خانواده» در امارات متحده عربی برگزار شد. مشارکت دفتر روابط عمومی در این کنفرانس نیز بخشی از بررسی‌های مستمر آن درباره این موضوع است که خانواده چگونه می‌تواند در اجتماعی با تنوع روزافزون، به تقویت انسجام اجتماعی کمک کند.





نشریه «عالم بهائی»

## مقالات تازه خوانندگان را فرامی‌خوانند تا پیشرفت بشر را از منظری گسترده‌تر بنگرند

۴ شهریور ۱۴۰۵

مرکز جهانی بهائی — نشریه آنلاین «عالم بهائی» چهار مقاله تازه منتشر کرده است.

مقاله «اسباب عجیبه غریبه» نقش حکمت و معنا بخشی به تجربه‌ها را در شناخت حقایق بررسی می‌کند که ممکن است دور از دسترس عقل بشر و بیرون از چارچوب‌های مفهومی موجود به نظر برسند.

مقاله دوبرخشی «بهائیان و اصلاح و نوسازی در ایران» سهم جامعه بهائی در توسعه ایران را بررسی می‌کند. بخش نخست سیر اندیشه‌ها و ابتکارات این جامعه را در کنار اندیشه‌ها و ابتکارات جنبش اصلاحات قرن نوزدهم ایران دنبال می‌کند. بخش دوم شرح می‌دهد که جامعه بهائی چگونه ساختار اجتماعی خود را بر اصولی چون تصمیم‌گیری مشورتی، رهبری انتخابی فارغ از حزب‌گرایی و پیشرفت زنان استوار کرد. این بخش همچنین بررسی می‌کند که این تجربه برای اجتماع ایران به‌طور کلی چه دستاوردهایی می‌تواند به همراه داشته باشد.

مقاله «بازاندیشی در نوآوری» بررسی می‌کند که چگونه می‌توان درک خود از نوآوری را از محدوده تغییرات فناورانه فراتر برد. چنین برداشتی نظام‌های اجتماعی، نهادی و فرهنگی‌ای را نیز دربر می‌گیرد که اجتماع از رهگذر آن‌ها تحول می‌یابد. مقاله «وعده صلح جهانی، چهل سال بعد» بیانیه تاریخی سال ۱۹۸۵ بیت‌العدل اعظم را بار دیگر بررسی می‌کند؛ بیانیه‌ای که شناخت یگانگی نوع بشر را پیش‌شرط صلح جهانی دانست. چهار دهه بعد، همچنان چالشی مبرم پیش روست: برای تحقق صلح باید از سازوکارهای نهادی فراتر رفت و بنیان‌های اخلاقی و روحانی لازم را تقویت کرد.

وبسایت «عالم بهائی» مجموعه‌ای از مقالات را در اختیار خوانندگان می‌گذارد که مهم‌ترین مسائل روزگار ما را بررسی می‌کنند و می‌کوشند با بهره‌گیری از تعالیم بهائی و تجربه جامعه بهائی در سراسر جهان، بینش‌های تازه‌ای به این مباحث بیفزایند.

## سرقت حکومتی از بهائیان: از پول نقد شخصی و حلقه ازدواج تا اسباب بازی کودکان

ژنو — ۵ شهریور ۱۴۰۵ — مأموران حکومت ایران در هفت استان به خانه‌های بهائیان یورش برده و وسایل شخصی آن‌ها را ضبط و با خود بردند. آن‌ها از دیوار خانه‌ها بالا رفتند، والدین را در برابر چشمان کودک دوساله‌شان بازداشت کردند، سازهای موسیقی را مصادره کردند و گلدان‌ها و کیسه‌های برنج را زیر و رو کردند؛ بی‌آنکه در بیشتر موارد حکم قضایی در دست داشته باشند، اتهامی مطرح کنند یا دلیلی ارائه دهند. در مواردی، ۱۴ مأمور با پنج خودرو و همراه نماینده‌ای از دادستانی به خانه یک زن یورش بردند تا او را بازداشت کنند. دلیلی که به همه این بهائیان اعلام شد، صریح و بی‌رحمانه بود: «چون بهائی هستید».

از ۳۱ مرداد تا ۳ شهریور ۱۴۰۵، یعنی در کمتر از یک هفته، خانه‌ها و محل‌های کار بهائیان در سراسر کشور توسط مأموران حکومت صحنه بازداشت افراد، غارت و مصادره اموال شد. آن‌ها خودروها، جواهرات شخصی، پول نقد، رایانه‌ها، ابزار کار، سازها، لوازم خانه و حتی اسباب‌بازی‌های کودکان را ضبط کردند. در یکی از موارد، وسایل خانواده‌ای را در چمدان‌های همان خانواده گذاشتند و از آنجا بردند.

۱۱ نفر در حالی بازداشت شدند که خانواده‌هایشان شاهد ضبط و بردن اموال خود توسط مأموران بودند. در یکی از این یورش‌های متعدد، مأموران خودروی یک خانواده را همراه با وسایل ارزشمند خانه و ابزارهای کار آنان بردند. در یورشی دیگر، آلات موسیقی و تجهیزات کاری در یک کارگاه ساخت سازهای موسیقی را نیز ضبط و سپس محل کسب خانواده را پلمپ کردند. این مصادره‌ها و بازداشت‌ها بدون هیچ حکم قضایی انجام شد. این اقدامات صرفاً بازرسی یا تفتیش نیستند، بلکه عملیاتی هستند که در آن حکومت به‌طور غیرقانونی دارایی‌ها، منابع اقتصادی و معیشت افراد را از آنان سلب می‌کند.

سیمین فهندژ، نماینده جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل متحد در ژنو، گفت: «این یک سرقت حکومتی در روز روشن است، یعنی دزدیدن اموال شخصی افراد به نام حکومت. صرف اینکه این حکومت است که وارد خانه شما شده، زیورآلات، حلقه ازدواج و خودروی شما و دیگر دارایی‌هایتان را با خود می‌برد به این اقدام مشروعیت قانونی نمی‌بخشد. نزدیک به پنج دهه است که حکومت ایران، به نام دولت، اموال بهائیان را برای مقاصد خود مصادره و تصاحب می‌کند. تشدید این روند در شرایطی که مردم با دشواری‌های اقتصادی روبه‌رو هستند، چیزی جز تلاشی برای خفقان اقتصادی بهائیان نیست. این سرقت باید فوراً متوقف شود.»

علاوه بر غارت، یورش و سرقت اموال شخصی، ۱۱ نفر نیز بازداشت یا روانه زندان شدند، از جمله افرادی که برای گذراندن دوران محکومیت خود احضار شده بودند. این تازه‌ترین موج بازداشت‌ها، یورش‌ها و ضبط اموال، بخشی از کارزار فزاینده آزار و اذیت بهائیان است که طی یک سال گذشته دو برابر شده و هزاران خانواده بهائی در سراسر ایران را در معرض پیامدهای آن قرار داده است.

در جریان رویدادهای اخیر در اصفهان، بیش از ۲۰ مأمور لباس شخصی هم‌زمان به خانه‌های سه عضو خانواده طبیبانی فرد یورش بردند و ضمن تفتیش منازل، در حضور یک کودک دوساله دست به تهدیدهای فیزیکی و خشونت‌آمیز زدند. مأموران مسلح تلفن‌های همراه اعضای خانواده را در همان محل به رایانه‌ها متصل کرده و اطلاعات آن‌ها را استخراج کردند. سپس لپ‌تاپ‌ها، پول نقد، جواهرات شخصی، یک دوربین حرفه‌ای و مجموعه‌ای از آلات موسیقی دست‌ساز، شامل پیانو، ویولن، سه‌تار، ویولنسل، کمانچه، گیتار و کلارینت را ضبط کردند. پس از آن، فروشگاه سازهای موسیقی این خانواده پلمب شد.

این مورد نمونه‌ای روشن از بی‌منطقی این آزار و سرکوب است: سازها بدون حکم قضایی و یا بدون هرگونه وجهت قانونی ضبط می‌شوند و راه امرار معاش یک خانواده معمولی از هم پاشیده و جرم‌انگاری می‌شود، تنها به این دلیل که آن‌ها بهائی هستند.

خانم فهندژ گفت: «استفاده از قدرت حکومت برای سلب مالکیت خانواده‌های بهائی از دارایی‌هایشان، به‌ویژه از این رو فاجعه‌بار است که همان مقاماتی که اموال آنان را ضبط و مصادره می‌کنند، کنترل دادگاه‌ها، نهادهای امنیتی و سازوکارهای تصمیم‌گیری درباره بازگرداندن آن اموال را نیز در اختیار دارند. این در حالی است که بهائیان که پیش‌تر از حقوق اساسی مدنی و اجتماعی خود محروم شده‌اند، عملاً هیچ راهکار مؤثری برای دادخواهی ندارند. پس‌اندازهای شخصی و خانوادگی، خودروها، لوازم منزل، تجهیزات شغلی، سازهای موسیقی و حتی اسباب‌بازی‌های کودکان از آنان غصب شده است. قدرتی که باید از مردم و دارایی‌هایشان حفاظت کند، اکنون برای سلب مالکیت و محروم کردن آنان از اموالشان به کار گرفته می‌شود.»

پیامدهای اقتصادی این اقدامات ویرانگرند. بهائیان از قبل، از تحصیلات دانشگاهی و از اشتغال در بخش دولتی محروم شده‌اند، اقداماتی که هدف آن‌ها نابودی کامل اقتصادی این جامعه است. اکنون حکومت در حال سلب و از میان برداشتن و نابود ساختن همان معیشت محدودی است که خانواده‌های بهائی ده‌ها سال برای ساخت آن تلاش کرده‌اند. حاصل سال‌ها کار و تلاش ممکن است در یک یورش به‌کلی از میان برود. این آسیب سپس دامن همه اعضای خانواده، همسران، فرزندان، والدین سالمند و دیگر افراد تحت تکفل را می‌گیرد و آنان را نیز از نظر مالی آسیب‌پذیر و در معرض خطر و از نظر اقتصادی فلج می‌کند، به‌گونه‌ای که توان چندانی برای بازسازی آنچه حکومت از آن‌ها گرفته است باقی نمی‌ماند.

این مصادره‌ها تازه‌ترین نمونه سیاست چنددهه‌ای آزار و سرکوب اقتصادی است. از سال ۱۳۵۷، مقامات حکومت ایران خانه‌ها، زمین‌های کشاورزی، کسب‌وکارها و دیگر اموال بهائیان را به شکلی سازمان‌یافته مصادره کرده‌اند و با استفاده از دادگاه‌ها و نهادهای حکومتی، جامعه بهائی، جامعه‌ای دینی که حکومت از به رسمیت شناختن آن خودداری می‌کند، را از دارایی‌هایش محروم کرده‌اند.

در سال‌های اخیر، مقامات حکومت ایران به‌طور فزاینده‌ای به اصل ۴۹ قانون اساسی ایران استناد کرده‌اند، اصلی که قرار بود به دولت اجازه دهد ثروت‌هایی را که از راه‌های نامشروع کسب شده باز پس گیرد. اما در عمل حکومت با بهانه‌های مبهم، اموال کاملاً مشروع بهائیان، از جمله خانه‌ها، زمین‌ها، کسب‌وکارها، وسایل نقلیه و حساب‌های بانکی آن‌ها را مصادره می‌کند. برای این مصادره‌ها، یورش‌ها و بازداشت‌ها هیچ‌گاه کوچک‌ترین مدرک یا مبنای قانونی ارائه نشده است. اموالی که از طریق آیین‌نامه‌های اصل ۴۹ توقیف می‌شوند، می‌توانند به «ستاد اجرایی فرمان امام»، نهادی تحت نظر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی منتقل شوند. در چهار دهه گذشته، هزاران ملک متعلق به بهائیان مصادره شده یا از آنان سلب مالکیت شده است. بهائیان بارها از راه‌های قانونی دادخواهی کرده‌اند، اما به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. خانواده‌ها همچنان ناچارند بازپس‌گیری اموال خود را از همان نهادهای حکومتی پیگیری کنند که مسؤول مصادره آن اموال بوده‌اند.

خانم فهندژ گفت: «جامعه جهانی از حکومت ایران می‌خواهد به سوءاستفاده از قدرت حکومتی برای ضبط اموال، املاک و دارایی‌ها و منابع امرار معاش بهائیان پایان دهد. این اقدامات شرم‌آور که دهه‌هاست ادامه دارند، باید متوقف شوند. حکومت باید به جای این کار به مقدس‌ترین وظیفه خود عمل کند: از شهروندانش محافظت کند، حقوق مدنی‌شان را پاس بدارد و خانه‌ها و اموالشان را از تعرض در امان نگه دارد.»

## پیشینه

❧ کیهان عاطفی و همسرش، فرشته رحمانی، زوج بهائی ساکن اصفهان، در ۲ شهریور ۱۴۰۵، برای دومین بار ظرف چند ماه اخیر شاهد یورش مأموران به منزل و محل کار آقای عاطفی بودند. مأموران حکومتی بیش از شش ساعت این دو محل را بازرسی کردند و سپس تلویزیون، طلا، ابزار کار، خودروی خانواده و حتی اسباب‌بازی‌های نوه‌شان را ضبط کردند. هنگامی که خانم رحمانی اعتراض کرد، مأموران به او گفتند «این‌ها مال حرام است.» و اضافه کرده‌اند «بار اول ادب نشدید. دین خود را عوض نکردید!»

❧ امین طبیبانی‌فرد، مادرش بهاریه عسکری‌نسب و پسرش نیما طبیبانی‌فرد، سه نسل از یک خانواده بهائی ساکن اصفهان، در ۲ شهریور ۱۴۰۵ منازلشان به‌طور هم‌زمان توسط بیش از ۲۰ مأمور مورد تفتیش قرار گرفت. ماشین‌آلات و

سازهای دست‌ساز از کارگاه سازسازی این خانواده ضبط و محل کسب آنان نیز پلمب شد. کودک دوسالهٔ نیما طبیبانی‌فرد هنگام این تفتیش حضور داشت. اعضای خانواده سپس به نهادهای اطلاعاتی یا مراجع قضایی احضار شدند.

فاخره زاهدی، زن خانه‌دار بهائی در ساری، و شیما سنایی، فروشندهٔ بهائی محصولات بهداشتی، هر دو در ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ از سوی مأموران وزارت اطلاعات بازداشت و به بازداشتگاه «کشویی» ادارهٔ اطلاعات ساری منتقل شدند. هنگام بازداشت این دو زن، حدود ۱۴ مأمور و نماینده‌ای از دادستانی حضور داشتند. حکم‌های ارائه‌شده فقط مجوز بازرسی داشتند و شامل دستور بازداشت نبودند. هنوز مشخص نیست چه اتهام‌هایی علیه این دو زن مطرح شده است.

دوازده بهائی در ساری، در ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ در مجموع به ۲۶ سال و ۱۶۵ روز حبس و ۷۶ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند. اتهام آن‌ها «انجام فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی» مرتبط با آیین بهائی بود. این پرونده از اردیبهشت ۱۴۰۳ بین سه دادگاه مختلف دست‌به‌دست شده بود.

ارسلان یزدانی، طراح گرافیک بهائی ساکن کرج، در ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ برای اجرای حکم سه سال حبس، در خان‌هاش و در برابر چشمان دو فرزندش بازداشت شد. مأموران بدون ارائهٔ حکم قضایی، وسایل الکترونیکی او و همسرش را نیز ضبط کردند. این حکم به محکومیت او در سال ۱۴۰۰ به اتهام‌های «عضویت در فرقهٔ ضالهٔ بهائیت» و «تبلیغ علیه نظام» بازمی‌گردد.

دست‌کم پنج زن بهائی در روزهای ۳۱ مرداد و ۱ شهریور ۱۴۰۵ در ساری و دیگر نقاط استان مازندران، یکی پس از دیگری بازداشت یا بازجویی شدند. مأموران بدون ارائهٔ حکم وارد خانهٔ خانم ثریا منوچهرزاده شدند. دست‌کم دو زن دیگر بر اساس حکم‌هایی بازداشت شدند که تنها مجوز تفتیش را صادر کرده بود. خانم نگار بدیعی، مدرس زبان انگلیسی، و خانم مارال روشنی، فعال در زمینهٔ فروش محصولات بهداشتی، هر دو در این خصوص مورد بازجویی قرار گرفتند که آیا از حرفهٔ خود برای «تبلیغ» آیین بهائی استفاده کرده‌اند یا خیر.

صریر موقن و والدین او، ژیل و وحید موقن، بهائیان ساکن اصفهان، در تاریخ ۳ شهریور ۱۴۰۵ هدف اقدامات مأموران امنیتی قرار گرفتند. مأموران با تفتیش منزل خانوادگی آن‌ها، صریر موقن را که به تازگی از کشور به ایران بازگشته بود، بازداشت کردند. تاکنون هیچ‌گونه اطلاعی دربارهٔ دلیل تفتیش منزل یا مبنای بازداشت صریر به خانواده ارائه نشده است.

ایمان رشیدی، بهائی ساکن یزد، در ۱ شهریور ۱۴۰۵ پس از آنکه برای آغاز دورهٔ محکومیتش به شعبهٔ اجرای احکام مراجعه کرد بازداشت شد. حکم او سه سال و شش ماه و یک روز حبس است. او همچنین به ۱۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی و پرداخت ۳۷۱ میلیون ریال جریمهٔ نقدی محکوم شده است. پروندهٔ او به مهرماه سال ۱۴۰۲ بازمی‌گردد، زمانی که مأموران اطلاعات خانه‌اش را بازرسی، شماری از اموالش را ضبط و او را بازداشت کردند.